اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۲۳)

اژدها (۴)

ریاضیات معنوی(۲)

کنترل طغیان نفس

در قسمتهای قبلی ثابت شد که ناقه زمان صالح، شتر نبوده است و بلکه اژدها بوده است. همچنین ثابت شد که کلمه ناقه (**Naga**) کلمه ای سانسکریتی است و نه عربی. هندوها پیروان پیامبر صالح بوده اند. آنها به مرور زمان تعالیم صالح را فراموش کرده و به جای آن مدیتیشن و یوگا را اختراع کردند. در قسمتهای بعد ثابت میشود که یوگا در زمان قدیم معنا و مفهوم دیگری داشته است و ربطی به یوگای مرسوم امروزی ندارد و حتی

دقیقا برعکس یوگایی است که امروزه معرفی میشود. همچنین ثابت شد که ثمود از کلمات سانسکریت سمودرا (samudra) یعنی جایگاه جمع آب، یا ساحل دریاچه گرفته شده است. یکی از کتابهای دینی هندوها ساماودا (samaveda) است که حاوی سروده های مذهبی است. این کتاب بیشتر به عقاید قوم ثمود بر میگردد و ربطی به پیامبر صالح ندارد. به شباهت دو کلمه ثمود و ساماودا توجه کنید. قوم ثمود در سماع و رقص و آهنگهای محلی مهارت داشته اند. این کتاب هم دقیقا یک کتاب سرود است.

در زمان پیامبر صالح، کشوری عرب زبان وجود نداشته است و حتی زبان عربی بصورت فعلی شکل نگرفته بوده است. بنابراین اینکه بگوییم صالح یک عرب بوده است، اشتباه است. حتی اگر عرب هم بوده باشد، باز زبان او عربی نبوده است. ریشه اسم صالح، از اسم شرقی سُله گرفته شده است، به معنای کسی که در خدمت خداست و با نظام رحمانی در صلح و آشتی است. اما این کلمه وقتی وارد زبان عربی شد، سین را به صاد تبدیل کردند و از آن یک کلمه عربی ساختند. بیشتر کلمات عربی که در قرآن استفاده شده است، از زبانهای دیگر است. خدای رحمان عمدا در داستانهای مربوط به هر قوم، از کلمات آن قوم هم استفاده کرده است و به این طریق قرآن کتابی است با گرامر عربی ولی با لغاتی از تمام زبانهای باستانی مختلف.

کلمات ناقه و صالح سانسکریتی هستند. کلمات صراط و دین اوستایی هستند.

سوره شمس بعد از ذکر آیاتی راجع به نفس، بلافاصله طغیان قوم ثمود را بیان میدارند. از همین جا مفهوم تزکیه و مراقبت از نفس بوجود آمد. این سوره مفهوم صحیح مراقبه را هم برای ما بیان میدارند. در طول تاریخ چرت و پرتهای زیادی راجع به مراقبه گفته شده است که همگی انحراف یافته و مفاهیم غلطی در آن راه یافته اند. یوگا و مدیتیشن به سبک امروزی انحراف تعالیم پیامبر صالح هستند. اما قرآن با چند کلمه، معنای واقعی و صحیح آن را برای ما روشن کرده اند. خدای رحمان نمی گذارد هیچ معنویتی در جهان گم شود و بلکه آن را در قرآن ذکر کرده اند. قرآن کتابی فوق بشری است و به عنوان آخرین کتاب آسمانی، همه چیز را واضح بیان داشته اند. در سوره شمس، از یک نوع ریاضیات معنوی در مورد معنویت صحبت میکند که بسیار عجیب و جالب است.

سوره شمس آیات ۷ به بعد:

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّىٰهَا

و سوگند به جان (انسان) و آنکه آن را (آفرید و) نیکو گردانید.

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَىٰهَا

سپس بدی‌ها و پرهیزگاری‌هایش را (به او) الهام کرد.

قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّىٰهَا

محققاً هرکس که نفس خود را تزکیه (و پاک) کرد، رستگار شد.

وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّىٰهَا

و یقیناً هرکس که آن را (با گناه) آلوده ساخت، ناامید (و زیانکار) شد.

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَىٰهَآ

(قوم) ثمود از روی سرکشی، طغیان‌شان را تکذیب کردند.

این آیات از کنترل نفس و تقوا و گناهان نفس صحبت میکنند. از مجموعه گناهان مخصوص هر نفسی صحبت میکنند که آن نفس باید از آنها دوری کند تا پاک شود. مجموعه گناهان زیاد است ولی برای پاک نگه داشتن نفس، لزومی به تجربه همه اینها نیست. زیرا خیلی از گناهان و تجربه ها

هیچوقت برای بعضی ها پیش نمی آیند. بنابراین لزومی به آزمایش و تست همه نیست. در ادامه سوره، قوم ثمود را مثال می آورند. قوم ثمود به خدا ایمان داشتند و حتی در گروههایی که تشکیل میدادند، به خدا قسم میخوردند. اما خدای رحمان این مقدس مآبی ها را قبول ندارد و آنان را با یک چیز دیگر آزمایش میکند. خدا آنان را با محیط زیستشان آزمایش میکند. جهت برطرف کردن هر گونه سوء تفاهم، کلمه مقدس مآب را تعریف کنیم. مقدس مآب یعنی اینکه فرد بی هدف یک سری تقدس ها و اهداف برای خود ایجاد میکند و آن را رعایت میکند و به این طریق فکر میکند که یک فرد دینی است. اما خدا میگوید که اینها همه اش حرف است و اگر راست میگوئید بیایید حریم محیط زیست خود را رعایت کنید.

در قسمتهای قبلی ثابت شد که ناقه در قرآن به معنای شتر نیست و بلکه به معنای اژدها است و اژدها نشانه محافظت از حیات وحش و محیط زیست است.

مجموعه حریمهایی که انسان باید رعایت کند، برای هر امتی بسته به محیط زیستشان متفاوت است و برای هر گروهی به جوری است. خدا بی نهایت گناه برای ما در نظر نگرفته است و بلکه آن را محدود کرده است تا که نفس بتواند براحتی آن را رد کند. این ما را یاد نظریه حد در ریاضیات می اندازد که در دبیرستان می خواندیم. نظریه حد یکی از ابزارهای مهم ریاضیات است که به ما کمک می‌کند تا رفتار توابع و دنباله‌ها را در نزدیکی

یک نقطه خاص بررسی کنیم. این نظریه از مجموعه ای بی‌نهایت به سمت مجموعه ای محدود سیر می‌کند و کاربردهای گسترده ای در ریاضیات دارد.

از مجموعه بی نهایت ← مجموعه محدود

داستان ناقه صالح یک مثال از چگونگی استفاده از یک مجموعه محدود برای کنترل و هدایت یک مجموعه بی‌نهایت است. خدای بزرگ بی نهایت گناه برای ما در نظر نگرفته است و بلکه آن را محدود کرده است تا که نفس بتواند براحتی آن را پاس کند. این موضوع به ما یادآوری می‌کند که خدا رحمان و مهربان است و می‌خواهد که ما را به سوی خوبی ها هدایت کند.

نظریه حد یکی از ابزارهای مهم ریاضیات است که به ما کمک می‌کند تا رفتار توابع و دنباله ها را در نزدیکی یک نقطه خاص بررسی کنیم. این نقطه خاص، پاشنه آشیل آن قوم است. این نقطه خاص، نقطه ضعف آن قوم هم است و البته اگر به درستی رعایت شود، میتواند همین نقطه ضعف به نقطه قوت و نقطه پرتاب آنان هم تبدیل شود.

یک ضرب المثلی هست که میگوید:

نفس را اگر کنترل کنید، یک مشت است ؛ اما اگر رهایش کنید یک دشت است.

این ضرب المثل به خوبی این مفهوم را بیان میکند. نفس در نقطه های خاصی میتواند براحتی کنترل شود و همچنین برعکسش هم امکان پذیر است و میتواند در نقطه های خاصی باز شود و مثل بمب بترکد. وقتی که ما نفس خود را کنترل می‌کنیم، می‌توانیم افکار و احساساتمان را هم مدیریت کنیم و از انجام کارهای ناپسند جلوگیری کنیم. در این حالت، نفس ما مانند یک مشت است که کوچک و محدود است و می‌توانیم آن را کنترل کنیم. اما وقتی که ما نفس خود را رها می‌کنیم، می‌تواند مانند یک دشت بی‌انتها و بی نهایت شود و ما را به سوی کارهای ناپسند و خطرناک ببرد. در این حالت، نفس ما می‌تواند ما را به سوی مسیرهای نادرست هم هدایت کند و ما را از اهدافمان دور کند. در این حالت، ما با یک مجموعه بی نهایت از گناهان و منهیات روبرو می شویم که حتی تجربه قبلی طرز روبرو شدن و مدیریت آنها را هم نداریم و در نتیجه در آن مسیر گم و یا غرق می شویم.

یک مشت، انرژی را متمرکز می‌کند، در نتیجه شما با مشتتان می‌توانید سنگی را پرتاب کنید. نفس کنترل‌شده نیز مثل یک مشت است که براحتی قابل کنترل و قابل مدیریت است. اما وقتی نفس رها می‌شود، یعنی مرزهای اراده فرو می‌ریزند و امیال درونی بدون فیلتر عمل می‌کنند. شدت افق، دید را از بین می برد و در نتیجه با یک مجموعه کنترل نشده طرفیم که انتخاب از آن مجموعه مشکل و تقریبا غیرممکن است. در دشت، هیچ نقطه خاصی وجود ندارد که انسان با اتکا به آن بتواند از آن خارج شود. در یک دشت، مسیریابی مشکل است. انسان ممکن است در چرخه عادت‌های زشت و تکرار آن گرفتار شود؛ بدون اینکه بداند در کجا گیر کرده است. این همان غرق شدن در مجموعه‌ای بی‌نهایت است.

در واقع قدرت واقعی انسان در نگه داشتن نفس به عنوان یک مشت است و نه رها کردن نفس به عنوان یک دشت. دشت در ریاضیات همان بی نهایت است. اعداد و ریاضیات ابزاری برای فهم طبیعت هستند. اما میتوان برعکسش هم گفت؛ طبیعت و نظام رحمانی یک نوع ریاضیات معنوی بر آنها حکم فرماست که در نگاه اولیه غیرمنطقی است.

اختصاص نصف آب به محیط زیست، در ظاهر هدر دادن منابع آب و خاک است. اما در نگاه معنوی، اختصاص نصف آب به محط زیست، در جاهای

دیگری صدها برابر هزینه ها را بر میگرداند و یا صرفه جوئی میکند. وقتی طغیان نفس گرفته شود، خیلی از هزینه ها اصلا پیش نخواهد آمد. این عمل، نه تنها هدر دادن منابع نیست، بلکه سرمایه‌گذاری در توازن اکوسیستم است که از سیل، خشکسالی، ریزگردها و بیماری‌ها و صدها مشکل دیگر جلوگیری می‌کند.

بشر مفاهیم ظاهری سود و زیان را جایگزین مفاهیم معنوی خیر و برکت کرده است. وقتی کاری انجام میدهد، میگوید که چقدر سود ده است؟ او نمی گوید که این کار چه خیر و برکتی دارد؟

در این مفاهیم کنترل طغیان نفس، بزرگترین سرمایه گذاری ای است که سود و زیانش در قالب ریاضیات و محاسبات معمولی نمی گنجد، بلکه فقط در قالب ریاضیات معنوی معنا دار است. ریاضیات معنوی مخالف ریاضیات عددی معمولی نیست و بلکه عین واقعیت است، اما از دید بالاتر.

وَ مَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيءٍ فَمَتَاع الْحَيَاة الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِنْدَ الله خَيْرٌ وَ أَبْقَي أَفَلاَ تَعْقِلُون (قصص: ۶۰)

آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است آیا اندیشه نمی‌کنید؟!

ریاضیات معنوی لایه بالاتر و عمیق تر واقعیتهاست که محاسبات آن را فقط عاقلان می فهمند. وقتی نصف منابع را برای محیط زیست رها می کنید و از آن محافظت می کنید، از نظر ریاضیات معنوی، کار بیهوده ای نکرده ای؛ بلکه در آینده فایده های چند برابری خواهید برد.

اگر برای نایلون روبی طبیعت هزینه نکنید و نایلونهای پرت شده را از طبیعت جمع آوری نکنید، از نظر محاسبات معمولی، هزینه هایی را صرفه جوئی کرده ای و مقداری ذخیره کرده اید. این یک منطق پیش پا افتاده و مادی است. اما اگر این هزینه را نکنید، طی چند سال بعد، گسترش بیماری های عجیب، آتش سوزی در طبیعت، هزینه تصفیه آب، کاهش بارندگی و غیره را خواهید داشت؛ که این موارد صدها برابر هزینه بردارتر است. بشر هنوز یاد نگرفته است که در هر چیزی سود و زیان را مطرح نکند. اگر نایلون و آشغال ریختن در طبیعت مشکل دارد، بهتر است که نریزد و همانهایی که ریخته است را هم جمع آوری کند؛ اگر چه باید مقداری هزینه کند و وقت بگذارد.

تمام این مشکلات از طغیان نفس انسان شروع میشوند. رعایت حریم محیط زیست و حریم دیگر موجودات و دیگر انسانها، خودبخود فشار طغیان

نفس را می گیرد. تاخیر در این رعایت، ضررات تصاعدی را بوجود می آورد. ریاضیات معنوی یک امر معنوی است که خدا آن را برای انسان فرستاده است و با پیروی از آن میتوان بهشت را روی زمین بنا کرد. افراد زیادی از ادیان مختلف هستند که دنبال ایجاد شرایط آخر الزمان هستند. آنها بی توجه به این واقعیتها، به محیط زیست و صلح با محیط زیست و صلح با دیگر انسانها اهمیت نمی دهند. در حالی که اولین شرط محیط بهشتی ایجاد کردن، رعایت حریم محیط زیست و سایر موجودات و دیگر انسانهاست. پیامبر صالح با ایجاد صلح با دیگر موجودات و محیط زیست، میخواست شرایط خوبی را برای زندگی روی زمین ایجاد کند.

طغیان نفس انسان مبنای این خطاهای محاسباتی است. کسی که جلو طغیان نفس خویش را نمی گیرد، دایره مَن مَن های خود را بسیار بزرگ میکند و این فرد چیزی جز دایره نفع لحظه ای خود را نمی بیند. ملتی که اینطوری بیندیشد، عملا خود را به سمت فروپاشی می برد. بعضی تمدنها گفتند که: آخرالزمان که بشود، زمین نو می‌شود، پس اهمیتی ندارد که اکنون آن را نابود کنیم!

این در حالی است که اولین شرط بهشتی بودن، صلح با محیط زیست و صلح با دیگر موجودات است. اتفاقا صالح این نکته را به قوم ثمود گوشزد میکند و می گوید(لاَ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْض بَعْدَ إِصْلاَحِهَا)**:**

وَ إِلَي مَدْيَن أَخَاهُم شُعَيْباً قَال يَا قَوْم اعْبُدُوا الله مَا لَكُم مِن إِلَه غَيْرُه قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَة مِن رَبِّكُم فَأَوْفُوا الْكَيْل وَالْمِيزَان وَ لاَ تَبْخَسُوا النَّاس أَشْيَاءَهُم وَ لاَ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْض بَعْدَ إِصْلاَحِهَا ذَلِكُم خَيْرٌ لَكُم إِن كُنْتُم مُؤْمِنِين (اعراف: ۸۵)

و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم) گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، که جز او معبودی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است بنا بر این، حق پیمانه و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نکاهید! و در روی زمین، بعد از آنکه اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید!

پیامبر صالح مردم را به محافظت از آن اژدها توصیه می کرد و البته این اژدها، نماد حریم حیوانات و محیط زیست و سایر مردم بود. صالح می‌خواست به مردم بیاموزد که رعایت حریم دیگران، چه انسان و چه

حیوان و چه محیط زیست، خط قرمز خداست. خدا انسان را فرستاده است تا که روی زمین به درستی زندگی کند. بشر به یک ریاضیات معنوی نیاز دارد تا بفهمد که فقط با رعایت آن می تواند بهشت را روی زمین بسازد و لاغیر.

بشر محاسبات غلطی را مرتکب شده است. او دید کوتاه مدتی دارد. خدای رحمان میخواهند به ما بفرمایند که دنیای احسن با محاسبات و ریاضیات مادی بنا نمی شود. به همین خاطر بارها در موضوعات مختلف در قرآن به ما می فرمایند که لاَ تَحْسَبَن **(گمان نکنید، محاسبه غلط نکنید).**

وَ لاَ تَحْسَبَن الَّذِين قُتِلُوا فِي سَبِيل الله أَمْوَاتاً بَل أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِم يُرْزَقُون (آل‌عمران: ۱۶۹)

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

لاَ تَحْسَبَن الَّذِين يَفْرَحُون بِمَا أَتَوْا وَ يُحِبُّون أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَم يَفْعَلُوا فَلاَ تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَة مِن الْعَذَاب وَ لَهُم عَذَاب أَلِيم (آل‌عمران: ۱۸۸)

گمان مبر آنها که از اعمال (زشت) خود خوشحال می‌شوند، و دوست دارند در برابر کار (نیکی) که انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، از عذاب (الهی) برکنارند! (بلکه) برای آنها، عذاب دردناکی است!

وَ لاَ تَحْسَبَن الله غَافِلاً عَمَّا يَعْمَل الظَّالِمُون إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُم لِيَوْم تَشْخَص فِيه الْأَبْصَارُ (ابراهيم: ۴۲)

گمان مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام می‌دهند، غافل است! (نه، بلکه کیفر) آنها را برای روزی تأخیر انداخته است که چشمها در آن (به خاطر ترس و وحشت) از حرکت بازمی‌ایستد

فَلاَ تَحْسَبَن الله مُخْلِف وَعْدِه رُسُلَهُ إِن الله عَزِيزٌ ذُو انْتِقَام (ابراهيم: ۴۷)

پس گمان مبر که خدا وعده‌ای را که به پیامبرانش داده، تخلّف کند! چرا که خداوند قادر و انتقام گیرنده است.

لاَ تَحْسَبَن الَّذِين كَفَرُوا مُعْجِزِين فِي الْأَرْض وَ مَأْوَاهُم النَّارُ وَ لَبِئْس الْمَصِيرُ (نور: ۵۷)

گمان مبر کافران می‌توانند از چنگال مجازات الهی در زمین فرار کنند! جایگاه آنان آتش است، و چه بد جایگاهی است!

وَ لاَ يَحْسَبَن الَّذِين كَفَرُوا أَنَّ مَا نُمْلِي لَهُم خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِم إِنَّمَا نُمْلِي لَهُم لِيَزْدَادُوا إِثْمَاً وَ لَهُم عَذَاب مُهِين (آل‌عمران: ١٧٨)

آنها كه كافر شدند، (و راه طغيان پيش گرفتند،) تصور نكنند اگر به آنان مهلت می‌دهيم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می‌دهيم فقط برای اينكه بر گناهان خود بيفزايند و برای آنها، عذاب خواركننده‌ای (آماده شده) است!

وَ لاَ يَحْسَبَن الَّذِين يَبْخَلُون بِمَا آتَاهُم الله مِنْ فَضْلِه هُوَ خَيْرَاً لَهُم بَل هُوَ شَرٌّ لَهُم سَيُطَوَّقُون مَا بَخِلُوا بِه يَوْم الْقِيَامَة وَ لِلهِ مِيرَاث السَّمَاوَات وَالْأَرْض وَالله بِمَا تَعْمَلُون خَبِيرٌ (آل‌عمران: ١٨٠)

كسانی كه بخل می‌ورزند، و آنچه را خدا از فضل خويش به آنان داده، انفاق نمی‌كنند، گمان نكنند اين كار به سود آنها است بلكه برای آنها شر است بزودی در روز قيامت، آنچه را نسبت به آن بخل ورزيدند، همانند طوقی به گردنشان می‌افكنند. و ميراث آسمانها و زمين، از آن خداست و خداوند، از آنچه انجام می‌دهيد، آگاه است.

در آيات بالايی، خدای رحمان از محاسباتی صحبت می فرمايند كه با محاسبات عادی بشری نمی خواند. اما خبر بد برای انسان اين است كه

شرایط بهشتی بر محاسبات و ریاضیات معنوی بنا شده است و نه محاسبات عادی.

وَ لاَ يَحْسَبَن الَّذِين كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُم لاَ يُعْجِزُون (انفال: ۵۹)

آنها که راه کفر پیش گرفتند، گمان نکنند (با این اعمال،) پیش برده‌اند (و از قلمرو کیفر ما، بیرون رفته‌اند)! آنها هرگز ما را ناتوان نخواهند کرد!

قرآن می فرماید کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، چون بذری هستند که هفت خوشه می رویاند و در هر خوشه هم صد دانه می رویاند.

مَثَل الَّذِين يُنْفِقُون أَمْوَالَهُم فِي سَبِيل الله كَمَثَل حَبَّة أَنْبَتَت سَبْع سَنَابِل فِي كُل سُنْبُلَة مِئَة حَبَّة وَالله يُضَاعِف لِمَنْ يَشَاءُ وَالله وَاسِع عَلِيم (بقره: ۲۶۱)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه، یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای

هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند و خدا (از نظر قدرت و رحمت،) وسیع، و (به همه چیز) داناست.

ریاضی معنوی می‌گوید که انفاق، ضریب هفتصد برابری می خورد. رعایت حریم محیط زیست و رعایت حریم دیگران، به معنای یک پس انداز نزد خداست. پس انداز نزد خدا می ماند و هیچوقت ارزش خود را از دست نمی دهد و بلکه ارزش آن تصاعدی بالا می رود.

مَا عِنْدَکُم یَنْفَدُ وَ مَا عِنْدَ الله بَاق وَ لَنَجْزِیَن الَّذِین صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا کَانُو یَعْمَلُون (نحل: ۹۶)

آنچه نزد شماست فانی می‌شود امّا آنچه نزد خداست باقی است و به‌کسانی که صبر و استقامت پیشه کنند، مطابق بهترین اعمالی که انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

دستگاه محاسباتی انسان با واقعیت نظام رحمانی متفاوت است و این تفاوت فقط زمانی کاهش می یابد که انسان خودش را با آن نظام هماهنگ کند. انسان نمی تواند با محاسبات مادی خودش، بهشت را روی زمین بسازد.

بدون رعایت حریم حیات وحش و محیط زیست، نمی توان شرایط خوبی را برقرار کرد. یوسف درصدی از غلات هفت سال فراوانی را ذخیره کرد تا هفت سال قحطی به سلامت طی شود. این یک دید چهارده ساله بود و بر یک دید معنوی بنا شده بود. پادشاه آن زمان دو خواب دید، در اولی هفت گاو لاغر، هفت گاو چاق را از بین می برند و در خواب دومی هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشکیده دید. خواب اولی شرح مشکل بود و خواب دومی روش حل درست مشکل بود. مردم فقط میخواهند که مشکل فعلا حل شود و به پیامدهای بعد از آن توجه نمی کنند. مردم فقط میخواهند که مشکل کمبود آبشان در حال حاضر حل شود و کاری به عواقب مصرف تمام آب ندارند. آنها به فکر محیط زیست و حیات وحش خویش نیستند.

شرایط بهشت بر ریاضیات معنوی بنا شده است. ریاضیات معنوی بر اساس برکت، قسمت، رضایت خدای رحمان، صلح با محیط زیست، صلح با دیگر انسانها بنا شده است و همه اینها با کنترل طغیان نفس ایجاد میشود. کسی که نخواهد طغیان نفسش را کنترل کند، به بهشت وارد نخواهد شد و حتی شرایط شبیه بهشت را هم در این دنیا تجربه نخواهد کرد. بهشت از دست رفته، یک افسانه نیست و بلکه هر انسانی سایز کوچک آن را تجربه میکند. نفس طغیانگر، نمی گذارد انسانها شرایط بهشتی را تجربه کنند.

کسی که نفس را کنترل کند ، از راهی که در هیچ محاسباتی نمی‌گنجد، بهره مند خواهد شد. طغیان نفس نمی گذارد که انسان وسعت دیدش را بزرگتر کند. قوم ثمود متوجه فوایدی که در آینده از طریق اژدها نصیب آنها میشد، نبودند. محاسبات قوم ثمود در مورد اینکه چرا اژدها را کشتند:

1. **آب بیشتری خواهیم داشت**
2. **چرا نصف آب را به یک موجود بی فایده بدهیم که مثل گاو شیر ده نیست!**
3. **اژدها یک موجود سود ده نیست و تقسیم آب با او، هدر دادن منابع آب است**

آنها محاسبات غلطی را وارد اقتصاد خود کردند و در نهایت بوسیله همین نوع تفکر خود محاصره شده و از بین رفتند.

فَكَذَّبُوه فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَم عَلَيْهِم رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِم فَسَوَّاهَا (شمس: ۱۴)

ولی آنها او را تکذیب و ناقه را پی کردند از این رو پروردگارشان آنها (و سرزمینشان) را بخاطر گناهانشان در هم کوبید و با خاك یکسان و صاف کرد!